

معرفی تذکره تحفه الشعرا تألیف افضل بیگ خان قاقشال اورنگ آبادی، قرن دوازدهم هجری

عصمت اسماعیلی*

مطهره آزادیخواه**

چکیده

بی‌گمان نسخه‌های خطی نماینده بخشی از عظمت تمدن ایرانی-اسلامی است و تصحیح این نسخه‌ها راهی است برای به دست آوردن اطلاعات از فرهنگ کهن ایران و تاریخ دراز دامن زبان پارسی؛ در این میان تصحیح تذکره‌ها جایگاه ویژه دارند. در این مقاله به معرفی تذکره تحفه الشعرا تألیف افضل بیگ خان قاقشال اورنگ آبادی که در سال ۱۱۶۵ تألیف شده است، سخن رفته و ساختار تذکره، شیوه نثر و اسامی شاعران این تذکره در حد امکان باز نموده شده است.

واژه های کلیدی: تذکره‌های فارسی هند، بابا افضل اورنگ آبادی، تحفه الشعرا

ES-esmaeili@yahoo.com

*عصمت اسماعیلی استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

Mahafarid.azad@yahoo.com

**مطهره آزادیخواه دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سمنان

ارزش کار تصحیح

نسخه‌های خطی همچون کاریزهای پنهانی هستند که با تصحیح و چاپ شناخته شده و در اختیار علاقه‌مندان و متخصصان ادبی قرار می‌گیرند و چه بسا تشنگی‌ها فرو می‌نشانند. آنچه امروز به عنوان متون زبان و ادب فارسی در دسترس علاقه‌مندان است، مدیون نسخه‌های خطی تصحیح شده توسط استادان بزرگی همچون علامه قزوینی، سعید نفیسی، مرحوم ایرج افشار و دیگر بزرگان این حرفه و هنر است.

نسخه‌های خطی به دلیل کثرتشان نماینده عظمت تمدن ایرانی و اسلامی است و تصحیح این نسخ راهی است برای به دست آوردن اطلاعات منحصر به فردی از متون کهن و تا زمانی که همه نسخه‌های خطی _ که شامل هزاران نسخه پارسی است _ تصحیح نشده‌اند، قضاوت درباره‌ی دستور تاریخی، سبک شناسی و برخی علوم ادبی قضاوتی نسبی خواهد بود. بنابراین هر اهمی برای تصحیح نسخ خطی اقدامی شایسته و درخور توجه است و ما را برای داشتن چشم‌اندازی صحیح از سیر تحول زبان فارسی در همه حوزه‌ها آگاه می‌کند. از ارزشمندترین نسخه‌های خطی که سرچشمه و منبع اطلاعات بیشماری از ادوار تاریخی و فرهنگی هستند و بیش از سایر نسخ باید مورد توجه قرار گیرند تذکره‌های شعر فارسی هستند که موجب آشکاری گوشه‌های مجهول، تاریک و پنهان از تاریخ ادبیات ما می‌شوند.

تذکره در زبان عربی به معنی یاد کردن، یادآوری، یادکرد، یادگار و گذرنامه است و هیچ‌گاه به معنی کتابی در شرح حال و آثار رجال به کار نرفته است.

تذکره در زبان فارسی و در فرهنگ‌های فارسی به معنای: یادداشت و یادآوردن و پند دادن آمده است و در تمام کتب ادبی فارسی (غیر از تذکره دولت‌شاه) قبل از زمان صفوی کلمه تذکره به معنی یادگار و یادداشت و یادآوری به کار رفته است و به تدریج در زمان صفویه، معنی کتاب در شرح حال و آثار شعرا پیدا کرده است. اولین کتاب فارسی که اسم آن با کلمه تذکره شروع می‌شود تذکره‌الاولیای فریدالدین عطار نیشابوری در اوایل قرن هفتم هجری است. (نقوی: ص ۲)

اهمیت تذکره‌ها بر هیچ اهل تحقیقی پوشیده نیست و یکی از دستاوردهای آن، این است که اطلاعات جامعی از شاعران و نویسندگان در ادوار مختلف تاریخی به ما خواهند داد و علاوه بر این‌ها اطلاعات مفصلی درباره روابط اجتماعی، فرهنگی و حتی اخبار تاریخی فراوانی از دوران زندگی شعرا و نویسندگان در اختیار ما قرار می‌دهند.

در بازخوانی همین تذکره‌ها است که شاعر گمنامی چون حزین لاهیجی شناخته شد (رک: شفیع‌کدکنی، مقدمه) و اشعارش که دست‌مایه شهرت برخی شده بود به ادب دوستان و فرهیختگان معرفی شد. تذکره **تحفه الشعرا** نمونه‌ای از نسخه‌های خطی تصحیح نشده است که تا کنون مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته است و در این مقاله، این تذکره در دست تصحیح، که شرح حال تعدادی از شاعران گمنام و یا کمتر شناخته شده است، معرفی شده و اطلاعات دست اولی از آن در اختیار پژوهندگان تاریخ ادبیات، نقد ادبی و علاقمندان زبان دیرپای پارسی قرار گرفته است. نگارندگان بر آنند تا با این انتخاب در این تصحیح شرح حالی منقح از شاعران مهجور را در دسترس پژوهندگان ادب فارسی قرار دهند. تذکره **تحفه الشعرا** شرح حال ۶۲ تن از شاعران پارسی‌گوی هند است و مؤلف آن، افضل‌بیگ خان قاقشال اورنگ‌آبادی، نیز از تذکره نویسان شبه قاره هند به حساب می‌آید و در هند روزگار می‌گذرانیده است؛ بنابر این لازم است پیش از معرفی تذکره **تحفه- الشعرا** به روابط ایران و هند و شاعران پارسی‌گوی هندی و تذکره نویسی در آن دیار اشاره‌ای مختصر داشته باشیم.

تذکره نویسی در هند

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

ایران با سرزمینی کهن که سراسر آن تا چندی پیش هندوستان خوانده می‌شد پیوندی دیرینه دارد اما بعد از جدایی جغرافیای این دو مرز یعنی ایران و هند روابط فرهنگی این دو مرز کهن از هم نگسست و این رابطه استوارتر شد.

بنابر شهادت اکثر کتب نقد ادبی و تاریخ ادبیات به دلایلی معلوم و نامعلوم در دوره صفویه جمع کثیری از ادبا و فرزنانگان ایرانی به هندوستان مهاجرت کردند و بسیاری از شاعران پارسی‌گو به دربار شاهان هندی روی-

آوردند و برخی از آنان در آن دستگاه پرورش یافتند که نام بعضی از بزرگترین نویسندگان و شاعران ادبیات فارسی در میان ایشان دیده می‌شود؛ از جمله مسعود سعد سلمان، صائب، نظیری که به همراه بسیاری دیگر، از جمله پارسی‌گویان به نام ایران زمین بودند که در دربارهای هند که مهد ادب و فرهنگ پارسی بود درخشیدند و بسیاری در همان جا ماندگار شدند و امروز در نزد ایرانیان و در حقیقت هموطنان اصلی خود مهاجر ماندند و تنها یاد و نام ایشان در نسخ خطی و تذکرها به ثبت رسیده است که امروزه با تصحیح و چاپ این نسخ به ادب دوستان و ادب پروران معرفی خواهند شد.

هرکسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

تذکره نویسی در هند در قرون ۱۱ و ۱۲ هجری رونق فراوان یافت و به مدد همین تذکرها بسیاری از شاعران معرفی و شناخته شدند. در کتاب تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، دکتر نقوی معتقد است که: «نویسندگان فارسی زبان هند و پاکستان در دو زمینه بر ادیبان دیگر پیشی گرفتند، یکی در امر تدوین فرهنگنامه و لغت و قواعد زبان فارسی و دیگری در ثبت احوال و اخبار شاعران پارسی زبان، که ایرانیان خود به این دو امر توجه شایانی نداشته‌اند و درباره آن کار چندانی نکرده‌اند». (ص ۱۵)

با توجه به تعداد تذکره‌های موجود از مؤلفان هند و پاکستان می‌توان این ادعا را قبول کرد و می‌توان گفت که اگر تذکره نویسی و ثبت احوال در دوران گذشته رواج نمی‌یافت ما از شناخت بسیاری از شاعران ایرانی و پارسی‌گوی که در هند و یا نقاط دیگر روزگار می‌گذراندند، محروم می‌ماندیم.

اورنگ آبادی یکی از مؤلفانی است که به ثبت و شرح احوال شاعران پرداخته است و با تذکره **تحفه الشعرا** ما را در شناخت برخی از این پارسی‌گویان مهاجر یاری رسانده است.

شرح احوال اورنگ آبادی

افضل بیگ خان قاقشال اورنگ آبادی، از تذکره نویسان شبه قاره هند در سده ۱۲ ق/۱۸م است. از تاریخ ولادت و تحصیلات وی آگاهی چندانی در دست نیست جز آنکه از خاندانی ترک نژاد بود و در دربار فرمانروای دکن آصف‌جاه و پسرش ناصر‌جنگ دارای مناصبی بود و اینکه شاگرد و دوست آزاد بلگرامی - از شعرای به نام آن دوره - بوده است. شهرت افضل بیگ خان به سبب تألیف تذکره **تحفه الشعرا** است. (رک: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد نهم، ص ۵۱۳ تا ۵۱۴)

اورنگ آبادی این تذکره را در سال ۱۱۶۵ تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر از آزاد بلگرامی که مؤلف آن را در مقدمه تذکره آورده است، این نکته را یاد آوری می‌کند:

قدر دان صاحبان معنی افضل بیگ خان کرد تألیفی مرتب از پی ارباب شعرا

کلک او بر لوح گیتی بست نقش تازه‌ای می‌شود تاریخ سالش تحفه اصحاب شعر

که "اصحاب شعر"، با حساب حروف ابجد نشانگر سال ۱۱۶۵ است که سال تألیف کتاب را می‌رساند. همچنین از عارف الدین عاجز نیز بیتی در مقدمه آمده است که سال تألیف تذکره را یادآوری می‌کند:

نسخه تازه چو میرزا افضل
کند تألیف به نام شعرا

سال اتمام سخن عاجز گفت
تحفه اوج کلام شعرا

که "اوج کلام" با حساب حروف ابجد نشانگر سال ۱۱۶۵ است.

در کتاب تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان (ص ۳۷۸) و کتاب تاریخ تذکره‌های فارسی (ص ۱۵۸) سه بیت از میرزا علی‌نقی ایجاد آمده است که سال تألیف کتاب را بیان می‌دارد:

۱- در کتاب تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان دکتر نقوی این بیت با کمی تفاوت آورده شده است.

خان افضل بیان معنی سنج مجلس آرای صفة شعرا

کرد تألیف نسخه‌یی رنگین از سخن‌های طرفه شعرا

سال تاریخ آن ز "روی قبول" گفت ایجاد تحفه شعرا

که "روی قبول" «ق=۱۰۰» و با "تحفه شعرا=۱۰۶۴" رقم ۱۱۶۴ به دست می‌آید که با وجود تعمیه باز هم برابر سال تألیف نیست. ذکر این نکته لازم است که این سه بیت فقط در یکی از نسخه‌های موجود (نسخه اساس، برگ ۴) در دست نگارندگان آمده است.

نسخه‌های موجود از تذکره تحفه‌الشعرا

از تذکره **تحفه الشعرا** ۳ نسخه در دست است که هر ۳ نسخه متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است. از این ۳ نسخه، ۲ نسخه خطی و دست‌نویس است و فقط سال کتابت یکی از نسخه‌ها در پایان کتابت آمده است که کاتب تاریخ کتابت را ۱۱۸۵ آورده است که این نسخه، نسخه اساس این تصحیح نیز قرار گرفته است. البته اصل این دو نسخه در کتابخانه حیدرآباد دکن است و نسخه‌های موجود در ایران با درخواست مرکز میراث مکتوب به صورت میکروفیلم در اختیار کتابخانه مجلس قرار گرفته است* نسخه سوم از این سه نسخه به شماره ۳۹۷۶۱ به صورت چاپ سنگی است که در سال ۱۹۶۱ م توسط دکتر حفیظ قتیل در حیدرآباد به چاپ رسیده است و این نسخه نیز در کتابخانه مجلس موجود است. با توجه به تفاوت‌های بی‌شمار میان نسخه اساس و چاپ سنگی گردآوری شده توسط دکتر حفیظ قتیل، به نظر می‌رسد ایشان برای تصحیح این کتاب تنها یک نسخه در اختیار داشته‌اند و هیچ تصحیحی صورت نگرفته است و یا اینکه ایشان نسخه دیگری در دست داشتند که ما از یافتن آن محروم ماندیم.

* ذکر این نکته لازم است که سه نسخه برای تهیه این پایان‌نامه به تقاضای نگارندگان و با حمایت ویژه مرکز نشر میراث مکتوب فراهم شد که شایسته است از اهتمام رئیس محترم این مرکز و همکاران ایشان در حفظ و نشر فرهنگ ایران و زبان فارسی سپاسگزاری نمایم.

تذکره تحفه الشعرا تا کنون جز مورد مذکور تصحیح و چاپ نشده است اما در برخی کتب تاریخ ادبیات و معرفی تذکره‌ها، ردپایی از آن وجود دارد از آن جمله در کتاب تاریخ تذکره های فارسی تألیف احمد گلچین معانی، تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان تألیف سید رضا نقوی، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند تألیف سید فیاض محمود؛ همچنین در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در ذیل نام افضل بیگ خان قاقشال اورنگ آبادی، اشاره کوتاهی به این تذکره شده است.

اما در نسخه های در دست تصحیح موضوع این مقاله اختلافاتی میان اظهار نظر این کتب در فهرست اسامی شاعران دیده می‌شود و بر نگارندگان معلوم نیست که آیا این بزرگواران نسخه دیگری جز سه نسخه معرفی شده را در اختیار داشته‌اند یا در فهرست اسامی شاعران نگاه اجمالی به کار رفته است؟ برای نمونه در معرفی شاعری به نام سید عبدالولی در نسخه در دست نگارندگان (رک: نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۶) تخلص وی عزلت آمده است ولی در کتاب تاریخ تذکره های فارسی تخلص این شاعر عزت آمده است (رک: گلچین معانی، ص ۱۵۹) و در معرفی شاعری به نام میر عبدالمنان که دقیقاً بعد از سید عبدالولی معرفی شده است تخلص وی را عزلت آورده است (گلچین معالی: همان) و در نسخه در دست نگارندگان عزت آمده است (رک: نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۸)؛ در معرفی شاه هدایت الله چاکاری تخلص وحدت (رک: نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۱) در کتاب تاریخ تذکره های فارسی شاه هدایت الله وحدت معرفی شده است و البته اختلافات دیگری هم وجود دارد که ما را بر تصحیح این نسخه و در اختیار قرار دادن اطلاعات آن مصمم تر می‌سازد.

سبک و ساختار تذکره تحفه الشعرا

شرح حال ۶۲ تن از شاعران پارسی گوی هند (دکن) است که از میان این ۶۲ تن ۶۰ تن مسلمان و ۲ تن هندو هستند و اغلب در قرن دوازدهم می‌زیسته‌اند و در شرح احوال بیشتر آنان به همزمانی حیات ایشان با حکومت آصف‌جاه و ناصر جنگ اشاره شده است، برای نمونه در معرفی شاعری به نام سید غلام حسین قادری

این گونه می آورد: و نظام الدوله بهادر ناصر جنگ خلف نظام الملک آصف جاه به جناب تقدس آیات او به صدق دلی ارادت و عقیدت داشته اند. (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۴)

از آنجا که اغلب شاعران ذکر شده، معاصر و البته همشهری اورنگ آبادی بودند و او با این ادبا و نویسندگان مصاحبت و دوستی داشته است، اطلاعات مؤلف را می توان موثق و ارزشمند دانست. برای نمونه در شرح احوال عارف الدین عرف میرزای این گونه می آورد: «و با فقیر^۱ محرر از طفولیت همدم و یکدل است، از روی اشفاق به دیدن احقر تشریف ارزانی می فرماید». (رک: نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۱۲) ناگفته نماند این تذکره به سبب شرح حال مفصلی که از آصف جاه و پسرش ناصر جنگ ارائه می دهد از اهمیت تاریخی نیز برخوردار است.

ویژگی های سبک نثر اورنگ آبادی

۱- مؤلف همواره سعی دارد کلام خود را به شعر آراسته دارد، در مقدمه کوتاه و البته مفیدی که ارائه می دهد در بیشتر سطور شاهد اشعاری در راستای مطالب گفته شده هستیم. همچنین در شرح وقایع تاریخی و یا شرح احوال شاعران، مؤلف همواره کوشیده از شعر شاعران بزرگ همچون حافظ، عطار، سعدی، بیدل دهلوی و دیگران به طور متنوعی استفاده نماید.

برای نمونه در شرح وقایع تاریخی مربوط به آصف جاه شعر زیبای سعدی و حافظ و عطار نیشابوری را چاشنی بیان خود می کند:

«جهان ای برادر نماند به کس
دل اندر جهان آفرین بند و بس»^۲ (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۳۵)

«به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد
گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه»^۳ (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۳۷)

۱- اورنگ آبادی در تذکره همه جا خود را با لقب «فقیر» معرفی می کند.

۱- گلستان سعدی، حکایت شماره «۱»

۲- حافظ شیرازی، قطعه

در شرح احوال نظام‌الدوله بهادر ناصر جنگ سه بیت زیر آمده است:

«ز انقلاب زمانه عجب مدار که چرخ از این فساد هزاران هزار دارد یاد»^۱ (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۷۰)

«جهان خونریز بنیاد است هشدار سر سال از محرم آفریدند»^۲ (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۷۴)

«همه کار جهان ناموس و نام است و گرنه نیم نان روزی تمام است»^۳ (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۴۴)

در شرح احوال میر فقیرالله خان شعر زیر درج شده است:

«از این رفتن و آمدن عار نیست که بی جزر و مد موج ابجار نیست»^۴ (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۰۲)

در شرح احوال میرزا ترک علی بیگ بیتی از حافظ چاشنی می‌شود:

«فلک به مردم نادان دهد عنان مراد تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس»^۵ (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۳۷)

۲- مؤلف کلام و سبک خود را بسیار تعارف آمیز جلوه می‌دهد. گاهی از واژه‌ها و عبارت‌هایی استفاده می‌کند که گویی ساخته ذهن خود اوست و تمامی این واژه‌ها را به گونه‌ای رسمی و تعارف آمیز به کار می‌گیرد:

«درویش صفا کیش و عارف کامل جمیع علوم بود». (نسخه شماره ۳۹۷۶۱، برگ ۱۳)؛ «شروع از احوال

درویشان عالیشان صفاکیشان نمود». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۴)؛ رسائی خامه سرو مثال از حمد گلشن آرائی است

که چمن پردازی صحیفه گلستان رقم کشیده قلم نوبهار اوست». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱)

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

۳- حافظ شیرازی

۴- بیدل دهلوی

۵- عطار نیشابوری، اسرار نامه

۱- واعظ قزوینی، دیوان اشعار، شماره ۹

۲- حافظ شیرازی، دیوان اشعار، غزل ۲۶۹

در شرح احوال میر غلام علی بلگرامی این گونه می‌آورد: «در ربیعان آگاهی سر رشته تحصیل علم به دست آورد و کتب درسی از بدایه تا نهاییه در حلقه درس میر طفیل محمد بلگرامی مرتب گذرانید و نعت و حدیث و سیر نبوی و فنون ادب از خدمت قدسی منزلت میر عبدالجلیل بلگرامی جد خود اخذ نمود». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۵)

در شرح احوال آصف‌جاه این گونه می‌نویسد: «به اتفاق جمیع اُمرا برهمزن گشت و پیش رفتن نداد». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۳۶)

در شرح احوال نظام‌الدوله ناصر جنگ این گونه می‌آورد: «چون شب بر سر دست آمد سپاه عسگرین جابجا کمر بسته مستعد و سرگرم جانفشانی بودند». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۶۸)

البته نباید فراموش کرد که اورنگ آبادی درباری بوده است و سالها در دربار آصف‌جاه و پسرش ناصر جنگ روزگار گذرانیده است و بنابر نظریه‌های زبان‌شناسی امروز که مشاغل و مناصب را تأثیرگذار بر زبان می‌دانند گمان می‌رود این سبک تعارف آمیز همراه با کلمات سنگین و بعضاً اغراق آمیز تأثیر درباری بودن وی باشد.

۳- مؤلف در نثر می‌کوشد برخی از صنایع لفظی را چاشنی زیبایی نثر خود سازد.

الف) سجع: مؤلف کوشیده تا با آوردن کلمات مترادف کلام خود را مسجع سازد.

«بر ضمیر منیر آفتاب نظیر اصحاب دانش و بینش که گلدسته باغ آفرینش اند روشن و هویدا می‌سازد که عالی فطرتان والافهم، احوال و اقوال شعراء متقدمین و متأخرین به عبارات رنگین و استعارات متین که هر حروف آن مضمون داستان‌هاست به تصانیف خویش درج کرده‌اند». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۲)

در شرح احوال نظام‌الدوله ناصر جنگ این گونه آورده است: «شرح شرافت حسب و نسب خاندان عالی‌شان او در ضمن احوال پدر بزرگوارش سمت گزارش یافت اکنون عنان قلم عبرت رقم بصوب حالات و واقعات عجیبه و غریبه این مجبور قضا و قدر معطوف می‌نماید». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۶۳)

در شرح احوال آصف‌جاه این گونه نوشته است: «صاحبزاده عالمیان با دل بریان و دیده‌گریان از اکابر و اعیان به تغسیل و تدفین جسد مبارکش پرداخته». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۵۸)

ب) اغراق: در بیان احوال برخی شاعران در مورد صفات و یا قدرت شاعری و یا حوادث زندگی آنها زبان به اغراق گشوده است.

- در شرح احوال شاه هدایت الله چاکاری این گونه می آورد:

«نهر آب از زمینی آورده که قطره آبی بر روی آن ظاهر نبود چون آن زمین را خالی نمودند دریای عمان جوش زد». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۲)

- در شرح حوادث تاریخی مربوط به دوران آصف جاه این گونه آورده است:

«جامه ها چاک کردند، فغان و شیون از جهانیان برخاست». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۵۸)

- در شرح احوال نظام الدوله ناصر جنگ می نویسد:

«چهل روز متواتر باران به نوعی شد که جهان پر از آب گشته، نشان طوفان بر زمین آشکار گشت که طاقت حرکت از مکان نماند». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۷۳)

«در ماتم آن مظلوم عالمی خونابه غم اندوه از دیده نشاند». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۷۶)

پ) تشبیه: اورنگ آبادی از هر فرصتی برای هنرنمایی و ایجاد تصاویر خیال با صنعت تشبیه یا استعاره و ترکیبات خاص استفاده کرده است.

- در شرح حوادث تاریخی مربوط به دوران آصف جاه این گونه می آورد:

«آخر الامر به زور بازوی سپاه ظفر دستگاه، کشتی حیات سرداران عالم علی خان در گرداب فنا غرق گردید». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۳۴)

- در شرح حوادث تاریخی مربوط به دوران نظام الدوله ناصر جنگ نوشته است:

«از بس که دود غرور چشم او را از راه صواب پوشیده بود نصحیت و پند سودمند نیفتاد». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ

«خرمن حیات آن بی دینان را به دارالبوار باید فرستاد». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۷۶)

در شرح احوال آقا امین ایلچپوری چنین می نویسد:

«اگر زبان به رنگ شعله آتش شود فتیله بیان روشن نمی تواند نمود». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۲۰)

ث) تتابع اضافات و تنسیق الصفات:

در مقدمه این گونه آورده است:

«و صنوفِ صلوة برون از حد و تسلیماتِ افزون از عد بر جنابِ مقدسِ پاک گوهرِ آن معدنِ نبوت و آزاده سرو
آن چمنِ فتوت، اثمارِ شجره رسالت، انهارِ سرچشمه ولایت، باغبانِ گلشنِ دین، میرابانِ جویبارِ یقین، پیشوایانِ
راه دین اولادِ طیبین و الطاهرین سیدالمرسلین صلوة الله علیهم اجمعین». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۲)

در شرح احوال سید غلام حسین قادری این گونه می آورد:

«گنجینه سینه آن ستوده افعال از دُرر و لآلی معرفت ملامال و دل حق منزل وی از مشاهده جمال ایزد متعال در
عین وصال». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۵)

۴- نثر اورنگ آبادی گاهی به ایجاز و گاهی به اطناب تمایل دارد. در برخی پاراگرافها جمله های کوتاه و همراه
با مکث و حذف فعل دارد و در برخی دیگر چنان اطناب گویی دارد که سر رشته کلام از یاد می رود.

برای نمونه در شرح احوال سید عبدالولی چنان ایجاز به کار می گیرد که شاعر را در ۴ خط با جملات بسیار
کوتاه معرفی می کند:

«خلف سید سعد الله درویش سورتی. جامع اقسام فضائل است. ملامتیه مشرب دارد و ریش بروت تراشیده به
وضع رندان می باشد. از فهم عالی اشعار فارسی و هندی خوب می فرماید. در علم حقایق و معارف بحر موج
است. دیوانی ترتیب داده، این اشعار آبدار از فکر رسای اوست». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۶)

در شرح احوال آصف‌جاه و پسرش ناصر‌جنگ بسیار به تفصیل سخن گفته و در بسیاری از پاراگراف‌ها آنقدر کلام را بسط داده و وقایع تاریخی را شرح و توضیح داده است که رشته سخن از دست بیرون رفته و حتی مرجع ضمیرها نامعلوم می‌شود. (رک: نسخه ۳۹۷۶۱، ذیل نام آصف‌جاه و ناصر‌جنگ)

حذف فعل بدون قرینه

- در مقدمه این گونه آمده است:

«و متاع تهی دستی از خریداری شفاعتش در بازار قیامت نایاب». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱)

- در شرح احوال میر عبدالمنان این گونه می‌آورد:

«فقیر از میر نعمان خان نبیره‌اش پرسید، جواب داد آن چه مردم می‌گویند غلط». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۸)

۵- از ویژگی‌های دیگر نثر اورنگ آبادی می‌توان به توصیف جزئیات وقایع اشاره کرد. در شرح وقایع تاریخی بسیار ریزبینانه توصیف می‌کند.

«در این ضمن قضا را تیر بندوق که بر بدنش رسید مجروح گشته از بیهوشی افتاد. به معاینه این حال تفرقه به سپاهش روی داد. چون این امر به عرض پادشاه رسید، امیرالامرا، خان‌دوران بهادر را با پانزده هزار سوار خونخوار بر سیبل کومک متعاقب ارسال فرمود و خود با بقیه سپاه در لشکر قرار گرفت. امیرالامرا روانه شد، مابین لشکر هردو پادشاه نهر آب واقع شده بود...» (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۴۵)

۶- مؤلف در بیشتر شرح‌ها بسیار به حاشیه می‌پردازد و این در حالی است که می‌توانسته توضیحات بیشتری درباره خود شاعر ارائه دهد. برای نمونه در شرح احوال شاه هدایت الله چاکاری مؤلف بیشتر توضیح خود را معطوف به شرح جزئیاتی از مسجدی می‌کند که شاعر در آن سکونت اختیار نموده است.

«و مسجد اقدس خیلی با صفا سمت اتمام یافته و ایوان خانقاه با ستون‌های سیاه خوش رنگ از غایت خوب طرحی تراشیده، نصب نموده اند و در اطراف آن حجره‌هایی مصفا در نهایت پاکیزگی جهت سکونت درویشان

عالیشان مرتب گشته و بیرون دروازه محاذی تکیه حوضی که صورت دریا دارد تیار کرده...». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۱)

۷- عربی زدگی در نثر اورنگ آبادی به وضوح نمایان است. مؤلف در بیان خود از کلمات و عبارات عربی بیشماری استفاده کرده است که برای یافتن آن‌ها نیازی به زحمت زیاد نیست.

در شرح احوال مولوی محمدباقر این گونه می‌آورد:

«به انواع فضائل متحلی است». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۲۵)

در شرح احوال آصف‌جاه این گونه می‌آورد:

«بر سبیل استعجال قطع مسافت نموده، بر سرش رسیده به محاربه و مجادله در پیش آمد». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۳۰)

در ذکر احوال نظام‌الدوله ناصر جنگ این گونه شرح داده است:

«و شر این اشرار فرو باید نشاند، اگر به حسن کردار و لطف گفتار صورت مصالحه روی نمود- فهو المقصود

و إلاً متوكلاً على الله و مستعيناً من الله - مستعد و آماده جنگ باید شد». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۴۶)

۸- یکی از زیباترین ویژگی‌های نثر اورنگ آبادی یافتن تعبیرات مترادف برای مفاهیم مشترک است برای مثال مؤلف برای مرگ افراد تعبیرات زیبایی می‌آورد و تقریباً در هیچ یک از شرح‌ها مرگ افراد را به طور ساده و یکسان بیان نمی‌کند. برای نمونه در شرح وقایع تاریخی مربوط به آصف‌جاه مرگ هریک از سرداران و شاهزادگان را با تعابیری متفاوت شرح کرده است:

«و چون به حکم قضای ایزد متعال بهادرشاه دل از ملک و مال برداشته به سر منزل خاموشان شتافت».

(نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۲۹)

«فتح خان همان ساعت بر زمین افتاد و زندگانی را جواب داد». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۴۲)

در شرح احوال محمدرضا قزلباش خان این گونه می‌آورد:

«همان جا ودیعت حیات به موکلان قضا و قدر سپرد». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۰۰)

۹- در خلال شرح احوال شاعران به معرفی آثار دیگر شاعر و معرفی نویسندگان دیگر و آثارشان می‌پردازد.

برای نمونه در شرح احوال شاه فضل‌الله نقشبندی به نام کتاب دیگری از او اشاره می‌کند:

«رساله زادآزاد در علم سلوک از او به یادگار است». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۴)

در شرح احوال میرعبدالمنان به کتابی از نویسنده دیگر اشاره می‌کند:

«عنایت‌الله کشمیری دستخط پادشاه عالمگیر جمع ساخته و کلمات طیبات نام نهاده». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۸)

۱۰- در خلال شرح احوال شاعران به نام بسیاری از شهرها، رودها، دریاها و قلعه‌ها اشاره کرده است. برای

نمونه در شرح وقایع تاریخی مربوط به دوران آصف‌جاه و پسرش ناصر‌جنگ این گونه آورده است:

«بعد از طی مراحل در بلده برهان پور دکن رسید». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۳۱)؛ «آنچه به صلاح اقرب و اصوب

است، آن است که عبور دریای نربدا کرده». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۳۲)؛ «چون به نواح قلعه کویل کنده رسیدند

..». (نسخه ۳۶۹۷۶۱، برگ ۶۵)

۱۱- در خلال شرح احوال شاعران بسیاری از اصطلاحات نظامی و همچنین سلاح‌های جنگی آن زمان را بازگو

می‌کند. برای نمونه در شرح وقایع تاریخی دوران آصف‌جاه و پسرش ناصر جنگ اشاراتی این گونه دارد:

«و سیدحسین علی‌خان به خدمت میربخشی گری و خطاب امیرالامرای سربلند گردید و این امیر نامدار از قدر

دانی پادشاه فلک اقتدار، منصب هفت هزاری هفت هزار سوار و خطاب نظام الملک و به صوبه داری دکن

امتیاز یافته». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۳۱)

«و با سوار و پیادهٔ بیشمار و توپ و جرابل و بان و گجنال در هکله بسیار و بند و قیچیان منتخب کرنانکی زیاده از حد و عدد سرداران ممتحن کاردیدهٔ جرار که به تطمیع و تزویر از اطراف و اکناف و جوانب آن‌ها را فراهم آورده رفیق جنگ و پرخاش ساخته بود». (نسخهٔ ۳۹۷۶۱، برگ ۳۶)

در کل سبک اورنگ آبادی را در نثر نمی‌توان سبکی والا و فاخر به شمار آورد اما می‌توان نثرش را از جهاتی برجسته خواند. سجع سازی‌ها، کلمات تعارف آمیز ساختهٔ ذهن درباری و به کارگیری فراوان شعر و صناعت ادبی، نثر او را زیبا و خواندنی کرده است.

ساختار تذکره

تذکرهٔ تحفه‌الشعرا مانند بسیاری از متون کهن با حمد و ستایش پروردگار آغاز می‌شود:

ای ذکر تو گل فروش بازار سخن رنگین ز تو برگ برگ گلزار سخن

اوصاف تو مجموعهٔ دیباچهٔ نطق توصیف تو مشاطهٔ رخسار سخن

انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی
(نسخهٔ ۳۹۷۶۱، مقدمه)

در ادامه مؤلف سخن خود را با نعت و منقبت رسول اکرم پی می‌گیرد و بعد از سخنانی در رابطه با شأن و منزلت پیامبر و آوردن اشعاری در مدح ایشان سخن را با دو بیت در مدح دوازده امام ادامه می‌دهد:

ذات نبی و علی و آتش اصلاً
تفریق ندارند به کیش دانا
۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

رمزی است عیان ز جاودان احمد
کز وی نه دوازده امامند جدا

(نسخهٔ ۳۹۷۶۱، مقدمه)

نکتهٔ جالب توجه اینجاست که مؤلف بعد از نشان دادن ارادت خود به پیامبر و حضرت علی و البته دوازده امام شیعه دو بیتی هم در مدح چهار خلیفه ارائه می‌دهد:

انسان که خمیر مایهٔ نشو و نماست
چاراست بین اگر تو را فهم و ذکااست

چهار است حروف اسم پاک احمد یعنی که ز چار یار اسلام پیاست (نسخه ۳۹۷۶۱، مقدمه)

در جایی به نام شاعر این ابیات برنخوردیم و گمان می رود که شاعر این اشعار خود اورنگ آبادی باشد.

مؤلف در ادامه و البته به طور اختصار خود را معرفی می کند و ضمن آوردن نام چند تذکره، مانند تذکره دولتشاه سمرقندی، تذکره محمد عوفی و برخی تذکره های دیگر سبب تألیف کتاب خود را این چنین می گوید: که چون پیش از وی دیگران تذکره هایی تألیف کرده و به کرات به ذکر شعرای بزرگ پرداخته اند، به تقلید از ایشان به تکرار نپرداخته و به حکم « لکل جدید لذه » به ذکر احوال سخنوران زمان حال خود پرداخته است. (نسخه ۳۹۷۶۱، مقدمه)

در ادامه اورنگ آبادی بعد از اشاره به تاریخ تألیف کتاب به واسطه شعر آزاد بلگرامی - که در صفحات قبل آورده شد- و شعری دیگر از عارف الدین عاجز که آن هم به تاریخ تألیف کتاب اشاره دارد، بدون به میان آوردن بحث تازه ای به شرح احوال شاعران می پردازد.

مقدمه این تذکره بسیار کوتاه و مختصر است و کل مقدمه این تذکره در ۳ برگ دست نویس آمده است. اورنگ آبادی در همین مقدمه کوتاه به ستایش پروردگار، مدح ائمه، چهار خلیفه و سبب تألیف کتاب خود می پردازد که همین مباحث در متون دیگر صفحات بیشتری را به خود اختصاص می دهند و نسبت به مقدمه های طولانی متون مشابه، باید گفت مقدمه ای با ایجاز تمام و البته بسیار مفید را ارائه می دهد.

همانطور که در صفحه قبل اشاره شد مؤلف بعد از مقدمه به شرح احوال شاعران می پردازد. آوردن نام شاعران بدون هیچ ترتیب الفبایی و یا تاریخی است و ملاک ترتیب اورنگ آبادی بنا بر گفته خود او در مقدمه: «شروع از احوال درویشان و عالیشان و صفاکیشان». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۴) بوده است.

اما شیوه و سبک اورنگ آبادی در معرفی شاعران بدین منوال است: نام و نام خانوادگی شاعر و آوردن تخلص شاعر به طور تلگرافی بدون هیچ جمله بندی مشخص:

«سید غلام حسین قادری، سالک تخلص». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۴) و در ادامه نام و تخلص بی هیچ علامت یا حرف دیگری شجرنامه ای مختصر و کوتاه را بازگو می کند:

«سید غلام حسین قادری، سالک تخلص، خلف الصدق سید شهاب الدین و نبیره سید محمد اسحاق قادری».
(نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۴)

در برخی موارد مؤلف به بازگویی ریزترین جزئیات از احوال شاعر می‌پردازد و به مذهب شاعر و گاهی به ارتباط عرفانی شاعران با عرفای روزگار نیز اشاره کرده است.

در شرح احوال میرزا ترک‌علی بیگ این گونه می‌آورد:

«از مریدان شاه نظام الدین است». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۳۶)

در شرح احوال محمد حامد مخاطب به حامد علیخان این گونه ذکر می‌کند:

«شاگرد و مرید شیخ ابابکر اله آبادی است، حنفی المذهب صوفی مشرب». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۵۰)

گویی همراهی شاعر و انتساب وی به دربار برای اورنگ آبادی مسئله‌ای مهم بوده است زیرا در بیشتر موارد به انتساب شاعر به شاه یا شاهزاده ای - به خصوص انتساب به دربار آصف‌جاه و پسرش ناصر جنگ - را بازگو می‌کند و این مسئله آنقدر برای مؤلف حائز اهمیت است که در برخی موارد انتساب اجداد شاعر به دربار را هم بیان می‌کند:

در شرح احوال شاعری به نام درگاه‌قلی خان این گونه می‌آورد: «والد ماجدش عمر خود را در خدمت نواب آصف‌جاه گذرانیده است». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۰۶)

در شرح احوال شاعری به نام میر فقیرالله خان این گونه نوشته است:

«در عهد پادشاه عالمگیر در اورنگ آباد خدمت دیوانی بیوتات پادشاهی داشت». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۰۲)

توصیف و شرح احوال شاعران در تذکره اورنگ آبادی از تعادل حجمی برخوردار نیست. گاهی به چند سطر بسنده می‌کند و گاهی حتی چندین برگ را به شاعری اختصاص می‌دهد.

اورنگ آبادی در توضیح برخی از شاعران کلی‌گوی کرده است و طریقهٔ ایجاز پیش گرفته است و حتی در برخی موارد شتابزدگی را در معرفی شاعرانی احساس می‌کنیم، برای نمونه در معرفی شاعری به نام قاضی محمدجان مؤلف تنها وی را در یک جمله معرفی کرده است (نسخهٔ ۳۹۷۶۱، برگ ۱۳۰) و این در حالی است که برای معرفی تعدادی از شاعران طریقهٔ اطناب را برگزیده است و اطلاعات بسیار جزئی از آن‌ها ارائه داده و اشعار بیشتری از آنان را به رخ کشیده است، برای نمونه در معرفی میرغلام علی آزاد بلگرامی مؤلف به شرح جزئیات بیشتری از وی می‌پردازد. (نسخهٔ ۳۹۷۶۱، برگ ۵ تا ۱۱)

بیشترین توضیحات مؤلف در احوال شاعران مختص به معرفی آصف‌جاه و پسرش ناصر جنگ است که معرفی ای دو تن تقریباً ۵۰ برگ از این تذکرهٔ ۱۷۱ برگی را به خود اختصاص داده است که البته این اطناب مؤلف در معرفی این دو تن از اهمیت تاریخی بسیاری برخوردار است.

اما اینکه چرا مؤلف در معرفی برخی از شاعران ایجاز و در معرفی برخی دیگر اطناب را برگزیده است می‌توان چند دلیل را فرض کرد:

۱- مؤلف شاعران نام آورتر و پر اهمیت روزگار خود را به اطناب و شاعران کم اهمیت را به ایجاز معرفی کرده است.

۲- اطلاعات شخصی مؤلف دربارهٔ تعدادی از شاعران بیشتر بوده و همین موضوع سبب گسترش کلام وی شده است و درباره برخی از شاعران اطلاعات اندکی در اختیار داشته است و به همین سبب به چند سطر در معرفی آنان بسنده کرده است.

۳- می‌توان این گزینش در ایجاز و اطناب را به تمایلات شخصی مؤلف به سبک یا شعر شاعری فرض کرد.

و در آخر باید به نظر دکتر نقوی در کتاب "تذکره نویسی در هند و پاکستان" اشاره کرد که به کوتاهی و اختصار اطلاعات برخی شاعران دلیلی این‌گونه اعتراض گونه بیان داشته است:

« چون مؤلف با اکثر این شعرا، معاصر و ظاهراً آشنا بوده است (چون اکثرشان در حیدر آباد و نواحی آن زندگی می‌کردند) بنابراین، علت این که چرا در جمع آوری مطالب مهمی راجع به زندگی شعرای مذکور سعی و کوشش ننموده غیر از غفلت و تساهل او به علت دیگر نمی‌توان حمل کرد» (ص ۳۸۰)

البته شاید انتساب غفلت و تساهل بر اورنگ آبادی چندان صواب نباشد چرا که اورنگ آبادی در معرفی برخی از شاعران مطالب و اطلاعات مهم و ارزشمندی را ارائه می‌دهد. اگر شیوه وی تساهل و غفلت بود باید در معرفی همه شاعران به توضیحاتی اندک بسنده می‌کرد.

مؤلف بعد از ارائه مطالبی در شرح احوال شاعران، ابیاتی از آن‌ها را بدون هیچ نظم و جداسازی از اشعار مختلف شاعران گزینش و ارائه داده است. در هر دو نسخه قدیم‌تر ابیات پشت سرهم در یک خط مانند جمله آمده است و فقط کاتب با نشانه‌ای مصرع‌ها را از هم جدا کرده و از همین نشانه‌هاست که شعرها تشخیص داده می‌شود. ذکر این نکته لازم است که مؤلف گاهی اشعار هندی شاعرانی را می‌آورد و این اشعار را هم پشت سر هم و بی فاصله از اشعار فارسی می‌آورد که البته با آوردن عبارت « اشعار هندی» تمایزی بین اشعار قائل می‌شود.

مقدمه‌ای که مؤلف برای توضیح هر شاعر می‌آورد را می‌توان به نوعی نقد ادبی به شمار آورد، اولین شاخص برای شناخت اندیشه‌های منتقدانه صاحب تذکره، در واقع گزینش او از شاعران و اشعار آنهاست و شاخص دیگر حجم اطلاعات و مطالبی است که وی درباره شاعران ارائه می‌کند و قطعاً در کنار این دو ویژگی برخی اظهار نظرهای با شاهد و یا بدون شاهد اورنگ آبادی می‌تواند جهت اندیشه نقادانه او را به مخاطب باز نماید. برای نمونه در معرفی بلگرامی این‌گونه می‌نویسد: «در علم صوفیه و نظم و نثر عربی و تاریخ گویی و فنون اشعار سرآمد ابنای روزگار است، اشعارش همه دُر ریز و دلاویز». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۷)

در معرفی میر عبدالمنان این‌گونه می‌نویسد: «نثر میر، به رنگینی است و در نظم، دیوانی ترتیب داده».

(نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۸)

در معرفی شاعری به نام رای‌مدن سنگه این‌گونه می‌نویسد: «طبع موزون دارد نسبت از غزلیات، در قصیده گویی و تاریخ فکر خوب دارد». (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۶۱)

و از برخی به سادگی می‌گذرد مانند قاضی محمد جان (نسخه ۳۹۷۶۱، برگ ۱۳۰) و این مسئله ما را به گونه‌ای وادار به قضاوت در مورد شاعران مذکور می‌کند.

ساختار کتاب را می‌توان به گونه‌ای مانند باقی تذکره‌های نوشته شده در آن دوران دانست البته با کمی تفاوت مانند آوردن مقدمه‌ای مختصر و مفید، آوردن اشعار فارسی و هندی شاعران در یک جا، نیاوردن سال تولد و وفات شاعران، آوردن انتساب‌های خاندانی و همچنین مناصب درباری که گویی برای اورنگ‌آبادی بسیار مهم بوده است. در هر صورت مؤلف شرح حال ۶۲ شاعر را در ساختار خاص خود ارائه می‌دهد و اطلاعات ارزشمندی در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

و در آخر باید به این نکته پرداخت که با توجه به اینکه تذکره‌ها به دو بخش تحقیقی و تقلیدی تقسیم می‌شوند و هر کدام ویژگی‌هایی دارند (فتوحی ۱۳۵۸، ص ۲۰۶) تحفه‌الشعرا در کدام بخش قرار می‌گیرد:

با توجه به این نکته که مؤلف خود در مقدمه تذکره به این نکته اشاره می‌کند که «چون پیش از وی دیگران تذکره‌هایی تألیف کرده و به کرات به ذکر شعرای بزرگ پرداخته اند، به تقلید از ایشان به تکرار پرداخته و به حکم «لکل جدید لذه» به ذکر احوال سخنوران زمان حال خود پرداخته است» (هرسه نسخه، مقدمه) از این رو می‌توان این تذکره را جزو تذکره‌های تحقیقی به شمار آورد به علاوه آنکه این شعرا معاصر و برخی همشهری وی بوده‌اند و نام بیشتر آن‌ها در تذکره‌های قبل از وی نیامده است.

البته در تقسیم بندی تذکره‌ها به این نکته نیز اشاره شده است: «در تذکره‌هایی که نویسندگان شرح حال معاصرین خود را می‌نویسند می‌بینیم که تعداد شاعران افزونی می‌یابد و معیار انتخاب و گزینش فراموش می‌شود، هرچند تذکره نویس به زمان حیات خود نزدیکتر می‌شود فهرست او بلندتر می‌شود. این فهرست دیگر گزینشی نیست بلکه فهرستی مکانیکی است مثل فهرست کتاب‌های چاپی است. در تذکره‌های فارسی قرن ۱۰ تا ۱۲ این مسئله رواج دارد». (فتوحی: ۱۳۸۵، ص ۲۰۶)

در مورد تذکره تحفه الشعرا باید گفت که این مسئله کماکان صدق می‌کند و مؤلف برخی شاعران را به طور فهرست وار و با توضیح بسیار کم معرفی می‌کند. ناگفته نماند که اورنگ آبادی در گزینش شعرهای شاعران حوصله و سلیقه به خرج داده به طوری که در برخی موارد هم اشعار فارسی وهم اشعار هندی آنان را آورده است. اما به طور کلی باید گفت که این تذکره مانند بسیاری از تذکره‌های قرن ۱۰ تا ۱۲ دچار نوعی شتابزدگی و فهرست گونگی است.

شیوه تصحیح تذکره تحفه الشعرا

این تذکره شامل ۲۴۱ برگ است که تمامی آن در سه نسخه‌ای که در اختیار نگارندگان است، موجود می‌باشد. البته نسخه اساس ۲۴۱ برگ است در قطع کوچک و دو نسخه دیگر ۱۷۱ برگ در قطع بزرگتر. دو نسخه از این تذکره در کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن است که با تلاش و درخواست کتابخانه مجلس میکروفیلم این دو نسخه برای ایران فرستاده شد. یک نسخه دیگر آن هم که به صورت چاپ سنگی است در کتابخانه مجلس موجود است.

با توجه به در دست داشتن این سه نسخه تصحیح به شیوه اساس قرار دادن اقدم نسخ و به کمک هر سه نسخه و با تذکر در پاورقی در ارائه یک نسخه کامل، انجام می‌گیرد.

اسامی شاعران ذکر شده در تذکره ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

لازم به یادآوری است که نام برخی از این شاعران در دیگر تذکره ها مانند تذکره بی نظیر، تذکره سفینه هندی، زکات الشعرا ، تذکره ریخته گویان گردیزی و چند تذکره دیگر آمده است.

۲- میرغلام علی بلگرامی

۱- سید غلام حسین قادری

۴- شاه فضل الله نقشبندی

۳- شاه هدایت الله چاکاری

۶- میر عبدالمنان

۵- سید عبدالولی

۸- شاه سراج الدین اورنگ آبادی

۷- میر فخرالدین اورنگ آبادی

۹-مولوی محمد باقر

۱۰-میر عنایت اللہ خیبری

۱۱-آصفجاء نظام الملک بہادرفتح جنگ سپہ سالار

۱۲-نظام الدولہ بہادر میر احمد خان ناصر جنگ

۱۳-متوسل خان بہادر

۱۴-خواجہ باباخان بخاری

۱۵-خواجہ قلیخان بہادر

۱۶-مرشد قلی خان بہادر

۱۷-میرزا ہدایت اللہ ارادت خان

۱۸-میر محمد نعیم دلاور خان

۱۹-میر محمد ہاشم

۲۰-محمد رضا قزلباش خان

۲۱-میر فقیر اللہ خان

۲۲-میر قاسم خان

۲۳-خواجہ ایوب مخاطب بہ جمیل بیگ خان

۲۴-درگاہ قلی خان

۲۵-میر عبدالحی خان

۲۶-عارف الدین عرف میرزای

۲۷-جان میرزا مخاطب بہ میرزا خان

۲۸-آقا امین ایلچپوری

۲۹-میرزا علی نقی

۳۰-میرزا نقی

۳۱-غلام ابراہیم خان بہادر

۳۲-قاضی محمد جان

۳۳-میر محمد رضی شوشتری

۳۴-میر سید محمد

۳۵-میر عبدالوہاب خان

۳۶-میرزا ترک علی بیگ

۳۷-شیخ نور محمد

۳۸-شیخ محمد انور

۳۹-شیخ غلام حسین

۴۰-نصیر الدین خان

۴۱-نورالدین علی

۴۲-شیخ احمد

۴۳-نوازش خان

۴۴-میر یوسف خان

۴۵-میر کامل

۴۶-محمدقلی

۴۷-محمد حامد مخاطب به حامد علیخان دولت آبادی

۴۸-میر یحیی مخاطب به عاشق علیخان

۴۹-رضا علیخان

۵۰-خواجه کامگارخان اورنگ آبادی

۵۱-میر محمد علی افصح تخلص

۵۲-آقا صایبا

۵۳-میر محمد علی ضیا تخلص

۵۴-میرزا خلیل

۵۵-مبارک یار خان

۵۶-محمد عاقل

۵۷-امین الدین علی مخاطب به مهدی علیخا

۵۸-حافظ محمد فاضل گجراتی

۵۹-شیخ محمد فاضل سرهندی

۶۰-رای مدن سنگه

۶۱-قاضی محمد صالح

۶۲-میرزا جان جانان

انجمن علمی زبان ادب فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

منابع

- اورنگ آبادی، افضل بیگ خان. تحفه الشعراء، نسخه خطی کتابخانه حیدرآباد دکن، ۱۱۸۵.
- اورنگ آبادی، افضل بیگ خان. تحفه الشعراء، نسخه خطی کتابخانه حیدرآباد دکن، شماره ۱۲۹۹۲.
- اورنگ آبادی، افضل بیگ خان. تحفه الشعراء، چاپ سنگی، به کوشش دکتر حفیظ قتیل، حیدرآباد، ۱۹۶۱ کتابخانه مجلس، شماره ۳۹۷۶۱.
- بهار، محمدتقی. سبک‌شناسی، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. شاعری در هجوم منتقدان (نقد ادبی در سبک هندی پیرامون شعر هزین لاهیجی)، تهران، آگه، ۱۳۸۵.
- فتوحی، محمود. نقد ادبی در سبک هندی، تهران، سخن، ۱۳۸۵.
- گلچین معانی، احمد. تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- محمود، سید فیاض؛ عابدی، سید وزیرالحسن. تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، لاهور، ۱۹۷۲.
- انقوی، سید علیرضا. تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۸۳.

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱